

## مروری بر روابط فرهنگی

# ایران و چین\*

دکتر اسماعیل حاکمی  
(دانشگاه تهران)

پیوندهای تاریخی و روابط فرهنگی ایران و چین به دوران قبل از ظهور اسلام باز می‌گردد. در شعر و ادب فارسی از هنر نقاشی و تصویرگری نقاشان چیره دست چینی بسیار سخن رفته است. مانی (مقتول به سال ۲۷۶ میلادی) نام نقاش معروف ایرانی در زمان شاپور ساسانی است - که مادرش از نجبای ایران و پدرش از اهالی همدان بود - وی در آغاز جوانی ضمن مسافرت‌های متعدد خود، به چین نیز سفر کرد. نظامی گنجوی شاعر داستانسرای قرن ششم هجری گوید:

شنیدم که مانی به صورتگری زری سوی چین شد به پیغمبری  
حافظ شاعر نامدار قرن هشتم هجری گوید:

اگر باور نمی‌داری رواز صورتگر چین پرس  
که مانی نسخه می‌خواهد زنوک کِلکِ مشکینم

در قرت هشتم هجری، در همان سالها که معماران چیره دست ایرانی در ساختن بنای

\*- متن سخنرانی نویسنده در همایش ایران شناسان چین، دانشگاه پکن، (۲۲-۲۰ اسفند ۱۳۷۵)

(الحمراء) در اسپانیا می‌کوشیدند، خُنیاگران چینی برای ابن بطوطه، جهانگرد مراکشی شعر سعدی را می‌خواندند:

تا دل به مهرت داده‌ام در بحر فکر انتاده‌ام

چون در نماز استاده‌ام گویی به محراب اندری

در همان سالها کتیبه سنگهای مزار را در جاوه و سنگاپور به فارسی می‌نوشتند.

تاریخ درباره دو ملت ایران و چین قضاوت‌های مطلوب و دلپسند دارد:

هر دو کشور دارای دوره‌های اعتلا و سرافرازی بوده‌اند. شاید بتوان گفت پیوندهای فرهنگی میان دو ملت ایران و چین از گستره تاریخ در می‌گذرد و به روزگاران افسانه و اساطیر آن دو ملت می‌انجامد. میان برخی از داستانهای شاهنامه فردوسی با برخی از داستانهای چینی - مثل زمان منظوم (فن شن یانی) - مشابهت‌های زیادی وجود دارد. در (نامه تنسر) از روابط هخامنشیان و چینیان سخن رفته است. آنطور که از پاره‌ای منابع چینی برمی‌آید روابط ایران و چین در عهد پادشاهی مهرداد دوم اشکانی (۷۶-۱۲۴ نبل از میلاد) برقرار شد. نام نخستین سفیر چین به سرزمینهای غربی و پارت، (جانگ چیان) بود که بین سالهای ۱۱۵-۱۰۵ قبل از میلاد معاون خود را به ایران فرستاد.

درباره روابط دو ملت ایران و چین باید به یکی از اسباب و عوامل بهم این ارتباط توجه داشت و آن جاده معروف ابریشم است. طول این راه مهم تجارتنی به بیش از ۷۰۰۰ کیلومتر می‌رسید. برخی از هنر شناسان عقیده دارند که هنر مینیاتور از ابتکارات ایرانیان بود و در چین تکامل یافت. در مثنوی مولوی ضمن یکی از تمثیلهای زیبا که درباره مسابقه نقاشی چینیان و رومیان است چنین آمده:

چینیان گفتند ما نقاش تر  
رومیان گفتند ما را کَر و قر...

همچنین در متون نظم و نثر فارسی از مُشک ختن، نَافه چین، آهوی چین، بُت چین، صورتگر چین، ظروف چین، ابریشم چین، آینه چین، بُتخانه چین، خاقان چین، فغفور چین، صنم چین و مانند اینها فراوان یاد شده است:

خسرو چین از افق آینه چین نمود زاینه چرخ رفت زنگ شه زنگبار

« خاقانی »

\*

بُتی دارم که چین ابروانش حکایت می‌کند بُتخانه چین

« سعدی »

ایرانیان و چینیان در دو سوی آسیا در روزگاران گذشته با وسایل ابتدائی توانسته بودند با یکدیگر مناسبات فرهنگی و بازرگانی برقرار سازند. بعد مسافت و ناامنی راهها مانعی در این راه ایجاد نکرده بود. دو ملت بزرگ ایران و چین در طول دهها قرن، آگاهی های بسیاری از احوال هم به دست آورده بودند. روابط میان دو ملت ایران و چین را در چند فصل می توان مورد مطالعه قرار داد:

- ۱- روابط افسانه ای ایران و چین.
- ۲- روابط ایران و چین از آغاز تا پایان دوره اشکانیان.
- ۳- روابط ایران و چین در دوره ساسانیان.
- ۴- روابط ایران و چین از آغاز دوره اسلامی تا مغول.
- ۵- روابط ایران و چین در دوره مغول.
- ۶- روابط ایران و چین در دوره تیموریان.
- ۷- روابط ایران و چین از دوره صفوی تا عصر حاضر.



از نظر فرهنگی و اساطیر و داستانهای پهلوانی، مشترکات و مشابهت های زیادی بین داستانها و روایات تاریخی هر دو ملت وجود دارد. مثلاً چینی ها هم شاهنامه دارند با این تفاوت که پهلوانان مثل سهراب یا اسفندیار ایرانی سرنوشت تلخی ندارند و معمولاً داستانها به خوبی و خوشی پایان می یابد. ضمناً این نکته قابل تأمل است که شاهنامه چین همانند شاهنامه فردوسی سروده یا نوشته یک نفر نیست بلکه طی سالیان متمادی از سوی نویسندگان با ذوق به رشته تحریر در آمده است.

به استناد پاره ای منابع در روزگار اشکانیان روابط میان ایران و چین در دوره مهرداد دوم (اشک نهم)، (۷۶-۱۲۴ ق.م) برقرار شد. نخستین سفیر دولت چین در زمان مهرداد اشکانی درباره ایران و مردم ایران اینگونه اظهار کرده است:

« اکثر مردم دهقانند. این مملکت دارای صدها شهر قلعه دار بزرگ و کوچک است. سوداگران از آرابه و کشتی استفاده می کنند و در بازرگانی مهارت فراوان دارند. »

در دوره ساسانیان روابط ایران و چین گسترش می یابد و دو ملت مناسبات صمیمانه تری با یکدیگر برقرار می کنند. بعد از زوال امپراتوری ساسانی برخی از افراد خاندان آخرین پادشاه ایران به چین رفته و در آنجا ساکن شده اند. بنا به روایت پاره ای مدارک، آیین باستانی

ایران (یعنی دین زردشت) در قرون پنجم و ششم میلادی در چین پیروانی داشت .  
 ظهور مانی در زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱ م) و سفرهای وی به آسیای مرکزی و هند  
 موجب رواج عقاید او در آن نواحی و احیاناً چین گردید . فردوسی گوید :

بیامد یکی مرد گویا ز چین      که چون او مُصوّر نیبتند زمین  
 ز چین نزد شاپور شد بار خواست      به پیغمبری شاه را یار خواست

درباره روابط ایران و چین از آغاز دوره اسلامی تا مغول باید بگردیم : راه خشکی میان  
 ایران و چین یا جاده کهن ابریشم در این عصر بار دیگر تجدید حیات یافت . بازرگانان ایرانی  
 و سُغدی و عرب و ترک و تاتار و چینی و غیره به مبادله کالا پرداختند . جمعی از هنرمندان و  
 صنعتگران چیره دست چینی به ایران رفته در نزد ایلخانان مقام و منزلت مهمی کسب کردند .  
 از سفرنامه مارکوپولو و همچنین سفرنامه ابن بطوطه - سیاح معروف مراکشی در قرن هشتم  
 هجری - و کتاب جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله همدانی ، چنین برمی آید که در عصر  
 مغول روابط گسترده‌ای میان ایران و چین برقرار بوده است . مطابق برخی روایات وقتی  
 هلاکو خان مغول به ایران می‌رفت گروهی از دانشمندان چینی او را همراهی می‌کردند .  
 ظاهراً میان سالهای ۴۴۵ تا ۵۲۱ میلادی ده هیأت نمایندگی از ایران به چین رفته و با  
 مسزولان آن کشور مذاکره کرده‌اند .

استاد نقید شادروان مجتبی مینوی در کتاب « تاریخ و فرهنگ » ، از ترجمه علوم  
 چینی به فارسی در قرن هشتم هجری خبر می‌دهد . به استناد برخی منابع ، جمعی از پزشکان  
 چینی در بیمارستان ربع رشیدی تبریز که به همت رشیدالدین فضل الله همدانی بنا شده بود به  
 معالجه و درمان بیماران اشتغال داشتند . در دوره تیموریان نیز ارتباط وسیع بازرگانی و هنری  
 و سیاسی میان دولتهای ایران و چین برقرار بوده است . در زمان امیر تیمور شهر زیبای  
 سرقند رونق و اعتبار بسیار یافت . در عهد شاهرخ تیموری و بایسنقر میرزا سُفرائی میان دو  
 کشور مبادله شد .

در دوره صفویه نیز این روابط ادامه داشت . در دوره قاجاریه بازرگانان ایرانی از طریق  
 بندر عباس و بندر بوشهر و دیگر بنادر ایران به مبادله کالا میان ایران و چین می‌پرداختند .  
 در سال ۱۹۴۹ میلادی با تأسیس جمهوری خلق چین میان دو دولت سفیرانی مبادله  
 گردید . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی و تأسیس نظام  
 جمهوری اسلامی پیوندهای عمیق و گسترده‌ای در مناسبات سیاسی ، فرهنگی و بازرگانی دو  
 کشور به وجود آمد که حائز اهمیت فراوان در منطقه و سطح جهانی می‌باشد .

در سالهای اخیر زبان فارسی در چین مورد توجه دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی قرار گرفت؛ بطوری که امروزه چندین تن از استادان چینی به تدریس فارسی در دانشگاههای آن کشور اشتغال دارند.

پاره‌ای از متون نظم و نثر فارسی نیز به چینی ترجمه شده است از قبیل: گلستان سعدی، رباعیات خیام، داستانهایی از شاهنامه فردوسی مانند: رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، سیاوش، ایرج، و غیره. «منهاج الطلب» قدیمترین دستور زبان فارسی است که در چین تألیف گردیده است. همچنین باید به «فرهنگ وفائی» اشاره کرد که در سرزمین چین تألیف شده و از اهمیت فراوان برخوردار است.

هنوز مسلمانان چین اصطلاحات نماز را به فارسی به کار می‌برند، از قبیل: نماز بامداد (نماز صبح)، نماز پیشین (نماز ظهر)، نماز دیگر (نماز عصر)، آبدست (وضو) و غیره. ■

منابع مورد استفاده:

- ۱ - تاریخ مختصر چین تألیف جیان پوزان و ... ترجمه پروفیسور جان خون‌نین، ویرایش دکتر سید محمد ترابی، مؤسسه انتشارات سیمین، ۱۳۷۱.
- ۲ - تاریخ روابط ایران و چین، تألیف دکتر علاءالدین آذری.
- ۳ - ایران به روایت چین باستان، تألیف آقای عباس تشگری، ۱۳۵۴.
- ۴ - آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین، تألیف جی سی کویاجی، ترجمه دکتر جلیل دوستخواه
- ۵ - حافظ در چین، نوشته آقای زنیان‌شن، مجموعه سخنرانی‌های گنگره حافظ (سخن اهل دل).
- ۶ - مقالاتی مندرج در مجلات: آینده و کِلک درباره: سعدی در چین، روابط فرهنگی ایران و چین، زبان فارسی در چین.

7 - Bakhtyar, M. Islamic Manuscripts in China, London, 1995

۸ - سفرنامه مارکوپولو، ایل سیلیونه؛ برگردان منصور سجادی و آنجلادی ... انتشارات

گوش.